

چشم امید سینماگران به تیم سینمایی دولت جدید

فرمول گل گرفتن در سینماها در دولت روحانی



مجتبی اردشیری

روزنامه‌نگار

تثبیت ۱۶ ماهه کرونا در ایران، سبب شد سینماداران متوجه ششوند قرار است این وضعیت برای آنها تا زمانی که محدودیت‌ها برقرار است، ثابت بماند. آنها دیگر مطمئن شده‌اند که مخاطبان تا فیلم جدید و پراقبال روی پرده نیایند، به سالن‌های سینمانمی آیندو از طرفی دیگر، آبی هم از مجموعه عملکردهای مدیران سینمایی گرم نمی‌شود. در چنین شرایطی است که بسیاری از آنها ترجیح داده‌اند کرکره‌های خود را پایین کشیده و حداقل تا زمانی که وضعیت سینماها به یک حالت نرمال نرسیده، از استهلاک بیشتر مواد مصرفی خود جلوگیری کنند. آن پردیس‌های بزرگی که سالن‌های زیادی دارند، ترجیح داده‌اند تنها بانیمی از ظرفیت خود به اکران مشغول باشند و از درگیر کردن تمامی سالن‌های خود خودداری کنند. سینماداران که در این ۱۶ ماه، وعده‌های رنگارنگی را شنیده و در عمل شاهد هیچ حمایتی نبوده‌اند، این روزها حتی در برابر برخی پیشنهادهایی رونق نسبی سینماها نیز مقاومت کرده و تنها راه حل برون رفت از این وضعیت را نمایش فیلم‌های پر مخاطب عنوان می‌کنند. اصل مهمی که حتی شورای صنفی نمایش نیز روی آن تاکید و اعلام کرده درصدد رضایت صاحبان

آثار پرفروش است اما حداقل تا امروز که این رضایت به دست نیامده تا سینماهای سراسر کشور همچنان با همان فیلم‌های نوروزی به کار خود ادامه دهند، چرا که به گفته شورای صنفی نمایش، فیلم‌های چندانی متقاضی اکران در این وضعیت نیستند. این شرایط عبور است و اگر هرچه زودتر، فکری به حال نمایش آثار پر مخاطب نشود، تابستان (تا ۱۹ مرداد که محرم از راه می‌رسد) هم به پایان رسیده و سینمادارها باز باید چشم به اکران نوروز ۱۴۰۱ بسپارند بلکه فرجی در حال آنها شود.

البته که تا همین امروز، سینمادارها دو موقعیت طلایی نوروز و عید فطر را از دست داده‌اند و موج سوم استقبال مخاطبان که عموماً از نیمه‌های خرداد هرسال تا پایان تابستان است نیز در حال سپری شدن است بدون آنکه فیلم جدیدی به گردونه اکران افزوده شود یا آنکه تدابیری برای استقبال بیشتر مخاطبان اندیشیده شود. برای امسال وضعیت پیچیده تر است؛ چرا که موقعیت طلایی اکران در تابستان امسال، از اواسط خرداد تا ۱۹ مرداد (آغاز ماه محرم) است و سینماها تنها ۶۵ روز فرصت دارند تا بتوانند سود سالیانه خود را در تابستان به دست آورند؛ زمانی که هم اکنون سه روز است آغاز شده اما هنوز همه چیز به روال قبل است و خبری از تدابیر هوشمندانه برای رونق این فصل طلایی در نظر گرفته نشده است.

وقتی فوتبال هم سینما را نجات نداد

نبیوست تا پردیس ملت به تنهایی کار نمایش فوتبال را دنبال کند. آنطور که «فرهیختگان» پیگیری کرد، استقبال چندانی هم از این تک‌نمایش صورت نگرفته است، به گونه‌ای که از ظرفیت ۱۱۷ نفره سال نمایش فوتبال در پردیس ملت، نزدیک به نیمی از آن پر شد. یعنی در پایتخت، کمتر از ۶۰ صندلی برای تماشای فوتبال رزرو شد. آن هم در پردیسی که مشکل پارکینگ و ترافیک ندارد و انتظار می‌رفت بلیت‌های این رویداد، چند روز پیش از آغاز مسابقه به پایان برسد. در حالی که تا لحظه شروع فوتبال نیز می‌شد بلیت آن سانس را خریداری کرد. برای بازی روز جمعه ایران نیز تا لحظه تنظیم این گزارش (ساعت ۱۲ چهارشنبه)، تنها ۶ نفر اقدام به خرید بلیت بازی با کامیوج کرده‌اند و باز خیلی بعید است ظرفیت سالن به نیمه نیز برسد. حتی اگر ظرفیت این سالن نیز پر شود، یعنی پایتخت ۱۶ میلیونی تنها توانسته ۱۱۷



در چنین شرایطی که هیچ امیدی به مسئولان دولتی و حتی شورای صنفی نمایش نیست، برخی مسئولان سینمایی دست به کار شده و طرح‌هایی را برای رونق سینماها مطرح کرده‌اند. از جمله این مسئولان، سیدمصطفی حسینی؛ مدیرعامل موسسه بهمن سبز است که چندی پیش در گفت‌وگویی اعلام کرد: «سینماها در دوران تازه باید پیشروی اکران باشند و منتظر تقاضا از طرف تهیه‌کننده نایستند. هرگونه پیشنهادی نظیر بخش بازی‌های آسیایی فوتبال، دربی، پخش سریال‌های پلتفرم‌ها و مناظرات تلویزیونی انتخاباتی می‌تواند سینماها را از حالت انفعال درآورد.» سینمادارها که گوش‌شان از این طرح‌ها پر است، چندان استقبالی از آن نکردند به طوری که در تمام پایتخت، تنها پردیس ملت تصمیم گرفت تا فوتبال‌های تیم ملی را پخش کند. در حالی که تا پیش از کرونا، سینماهای بسیاری خواهان پخش فوتبال در سالن‌های خود بودند. به اندازه‌ای که با کثرت سالن‌های پخش‌کننده فوتبال، پای پلیس نیز به غائله باز شد و برخی محدودیت‌ها برای پخش فوتبال در سالن‌های سینمایی به وجود آمد. آن تعداد سالن‌هایی هم که به نمایش فوتبال می‌پرداختند، خیلی زود بلیت‌های خود را به فروش رسانده و گاهی حتی مجبور می‌شدند یک فوتبال را در چند سالن پخش کنند. اما برای فوتبال‌های اخیر تیم ملی که اتفاقاً از حساسیت بسیاری نیز برخوردار است، پردیس ملت درحالی پا پیش گذاشت که تصور می‌شد برخی پردیس‌های دیگر هم به ملت افزوده شوند اما در کمال تعجب، هیچ پردیس و سینمای دیگری در پایتخت به این جریان

نفر را برای تماشای فوتبال به سینما بکشاند که آمار نگران‌کننده‌ای از ورشکستگی سینمادارها را نشان می‌دهد. سیدمصطفی حسینی که خود پیشنهاددهنده این اتفاق بود، در سه سالن زیرمجموعه بهمن سبز در اصفهان نیز فوتبال را پخش کرد که مانند تهران، با استقبال ضعیف مردم نصف جهان مواجه شد. بنابراین حالا دیگر می‌توان با اطمینان عنوان کرد حتی فوتبال نیز نتوانست سینماها را از این وضعیت رکود و ورشکستگی نجات دهد. وقتی چند سال پیش، مخاطبان برای تماشای فوتبال در سالن‌های سینما شتاب می‌کردند و پردیس‌ها، چند سالن را برای نمایش فوتبال اختصاص می‌دادند، حالا از پر کردن حتی یک سالن عاجز مانده‌اند. این گزاره، نتیجه می‌دهد که مردم همچنان از رفتن به سینما واهمه داشته و مدیران نتوانسته‌اند زمینه‌های آشتی ولو نسبی مخاطبان را با سینماها فراهم آورند.

این درحالی بود که از گوشه‌وکنار زمزمه می‌شد اگر نمایش فوتبال با استقبال همراه شد، ضمن اینکه پردیس‌های دیگری نیز به این جمع افزوده می‌شدند بلکه آنها قصد داشتند مسابقات والیبال و مناظرات انتخاباتی را نیز در سینماها پوشش دهند اما با توجه به استقبال اندکی که از سوی سینمادارها و مخاطبان از پخش فوتبال به عمل آمد، این پیشنهادها نیز از میان رفت تا وضعیت وخیم سینماها، این بار با سنسجش در برابر یک مشوق قوی نیز به همان حالت باقی مانده و فرجی در حال سینماها صورت نپذیرد.

مخاطب هست اما کم است

این روزها که یکی از فصول طلایی اکران شمرده می‌شود، سالن‌های سینما با اقبال نسبتاً محسوسی به نسبت ماه‌های قبلی خود مواجه شده‌اند. آن عده قلیلی که درصدد بودند فیلم‌های نوروزی را مشاهده کنند، به دلیل تعطیلی‌های وقت و بی‌وقت سینماها، کم‌وبیش در بهار امسال به سینماها رفتند تا فروش آثار در حال نمایش، با یک تکان حداقلی مواجه باشد. در حال حاضر، کمدی «هفته‌ای یک‌بار آدم باش» با ۲۲۴۰۰ سالن و ۳۵ هزار مخاطب، ۷۶۰ میلیون تومان فروش داشته، «خورشید» مجیدی با ۲۰۶ سالن و ۳۰ هزار مخاطب، ۷۰۰ میلیون تومان، کمدی «تک‌خال» با ۱۹۰ سالن و ۲۸ هزار مخاطب، ۵۵۰ میلیون، «خون شد» کیمیایی با ۱۵ سالن و هفت هزار مخاطب، ۱۴۰ میلیون و «لاله» با ۱۲۱ سالن و چهار هزار مخاطب، ۸۰ میلیون تومان فروش داشته‌اند.

طبق این آمار متوجه می‌شویم فروش فیلم‌های نوروزی از ۲۷ اسفند تا امروز چیزی حدود دومیلیارد و ۲۳۰ میلیون تومان بوده است که اگرچه قابل قیاس با وضعیت نرمال سینماها نیست اما به نسبت فروش سینماها در سال ۹۹، یک تکان محسوس شمرده می‌شود. البته باید به این مهم نیز توجه داشت که دوستداران این فیلم‌ها و آنهایی که قصد تماشای این فیلم‌ها را داشته‌اند، در این مدت دوماه به بازگشایی سینماها، به سینماها رفته‌اند و بعید است در صورت تداوم نمایش این پنج فیلم، تماشاگر بیشتری بخواد به تماشای آنها برود و بنابراین این روند روبه بالا با توقف همراه می‌شود.

در شرایطی که مخاطبان سینماها از اکران فوتبال استقبال نکرده‌اند اما ترجیح داده‌اند به تماشای فیلم‌های سینمایی بروند، پس اگر در این سینماها، فیلم خوب اکران شود، قطعاً مخاطب به استقبال آنها خواهد نشست و می‌توان از این معادله، به فروش بیشتر سینماها رسید؛ یگانه راهی که حالا دیگر با سنسجش طرح‌های بسیاری برای کشاندن مخاطب به سینما، به تأیید مدیران سینمایی و شورای صنفی نمایش نیز رسیده است.

همه در انتظار تیم جدید سینمایی دولت

طرف نیز آخرین مکانی باشند که بازگشایی می‌شوند. در این مدت تعطیلی که هیچ‌وقت مشخص نمی‌شود چه اندازه خواهد بود، نه حمایتی از سمت مدیران سینمایی از آنها می‌شود و نه در قبال این باز و بسته‌شدن‌ها، حمایت‌های معنوی از آثار صورت می‌گیرد.

در تمام این ماه‌ها، مدیریت سینمایی در تلاش بود تا بدون هزینه و اعطای ضمانت‌های لازم، تنها دهان منتقدان را بسته و به صورت ظاهری، به نمایش یک فیلم پراقبال همت گمارند که احیاناً عدم استقبال از آن فیلم را نیز به گردن کرونا و شرایط پیک بیماری نسبت دهند. همچنان که امروز نیز دایره انتقادهایی که از آنان می‌شود را به کرونا و وضعیت حاد کشور و لمطامتی که این بيماری بر تمامی ارکان کشور گذاشته، مرتبط دانسته و بدین ترتیب خود را از حجم انتقادهای بسیاری که نسبت به عملکردشان وارد است، مبرا می‌دانند. تیم مدیران جدید سینمایی باید در این حیطه، دست به یک انقلاب اساسی بزنند؛ انقلابی که اهمیت و لزوم اجرای آن، کمتر از ابعاد اقتصادی حاکم بر این روزهای کشور نیست. آنچه طی این ماه‌ها، سینماگران و سینماداران را به شکلی اساسی آزرده می‌کند، حس وادادگی و رهاشدنی بود که در نتیجه نبود حمایت دولتی و صنفی از آنها شد. در روزگاری که بسیاری از شغل‌ها، از حمایت‌های ولو حداقلی سندیکاها و اتحادیه‌های خود بهره‌مند بودند، هنرمندان و سینماداران، در یک وادادگی کامل به حال خود رها شدند؛ عده‌ای ورشکست شدند و سرمایه‌هایشان بر باد رفت؛ عده‌ای دیگر درگذشتند و مابقی، استخوان‌هایشان به قدری آرام شکست که صدای اعتراض و شکستن استخوان‌هایشان را کسی نشنید.

ابتکار تیم سینمایی دولت جدید، هیچ‌گاه کمتر از ابتکارهای اقتصادی دولت سیزدهم نخواهد بود. تیمی که باید علاوه بر ترمیم این فضا و ساختار شکنی‌های مفید برای رونق سینمای ایران، فکری هم به حال اقتصاد سینما و آدم‌های نه‌چندان بسیار، شاغل در آن کند. کاری که تیم سینمایی دولت دوازدهم، نه پیش از کرونا توانست آن را به سرمنزل مقصود برساند و نه در ایام همه‌گیری کرونا توانست لاقال یک آشنایی ساده با سینماگران بدهد.

سینمایی که وضعش نه با فیلم جدید، نه با فوتبال، نه با بلیت نیم‌بها و نه با انفعال درست نشد، نیازمند یک ریل‌گذاری جدید است تا هم رونق را به سالن‌های تاریک بازگرداند و هم طیف وسیعی از هنرمندان را از عملکرد خود راضی نگه دارد.

وقتی سینمادارها و سینماگران در نیمه‌های سال ۹۹ متوجه شدند هیچ فرجی به امیدهای دولتی نیست، روزشمار پایان دولت فعلی را با حساسیت بیشتری دنبال کردند. مدیران سینمایی هم گویی متوجه این اتفاق شدند و از جایی به بعد، همان وعده‌های نصفه و نیمه خود را نیز رها کردند و در مقابل سیل انتقادهایی که در برابر عملکرد آنها می‌شد، سکوت اختیار کرده و مشخص نم‌شد در دفاتر خود مشغول چه تدابیر و برنامه‌هایی بودند که صدای آن نه در سالن‌های سینما شنیده شد و نه در میان اهالی هنر هفتم.

این بی‌توجهی‌ها و بی‌برنامگی‌ها سبب شد سینما دوستان، دیگر امیدی به برنامه خاصی در دولت فعلی نداشته باشند، مخصوصاً الان که کمتر از دو ماه به پایان عمر این دولت باقی مانده و دیگر هیچ انتظاری از تیم سینمایی فعلی نیست. اگرچه در ابتدای سال گذشته، سینماداران و سینماگران، امیدهای بسیاری به نجات سینما توسط تنفس مصنوعی‌های دولت داشتند اما با انفعال دولت، اکنون دیگر این جماعت، با قطع امید کامل از تیم فعلی مدیران سینمایی، چشم به تیم جدید که تا سه ماه دیگر روی کار می‌آید، بسته‌اند که لاقال با تصمیم‌گیری‌های خود، هوای جدیدی در سینمای ورشکسته امروز ایران بدمد.

این انتظار اگرچه سبب می‌شود سینماها، اکران طلایی تابستان را از دست بدهند اما احتمالاً همه آنها راضی هستند تا این فرصت را از دست بدهند اما از نیمه دوم سال به بعد، حمایت‌های لازم از آنها برای رونق همیشگی سینماها شکل گرفته و اینچنین بدون صاحب رها نشود.

انفعال مدیران سینما طی ۱۶ ماهه کرناایی اخیر سبب شد تقریباً تمامی طرح‌هایی که برای نجات سینما تصور می‌شد روی آن پیاده شود: از نیم‌بها کردن تمام روزهای هفته و پخش فوتبال تا اکران فیلم خارجی و فیلم‌های ایرانی جدید برای اکران نوروز. اما تمامی این طرح‌ها به شکست انجامید و سینمادارها روز به روز ورشکسته‌تر شدند چون در این مدت، خوراک اصلی آنها که فیلم خوب و پر مخاطب باشد، به نمایش درنیامد. صاحبان آثار پرفروش هم با آگاهی از عدم حمایت‌ها، هرگز حاضر به ریسک روی سرمایه خود نمی‌شوند. وقتی فیلمی چون «شنای پروانه» با آن روش نمایش و تعطیلی‌های بسیار، این گونه در اکران مثله‌مثله شد، چشم بسیاری از تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران ترسید؛ چرا که کمترین خواسته آنها، تضمین باز بودن سینماها در مقاطع مختلف سال است نه اینکه با قرمز شدن شرایط کرناایی، سینماها به عنوان نخستین اماکن شهری تعطیل شوند و از آن